

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۲/۸

مجله مطالعات روانشناسی تربیتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۵/۲۳

دوره ۵، شماره ۱ شهریور ۱۳۸۷

بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی با خلاقیت دانشجویان

اعظم مقدم*، اکرم نیک بخت**،

شقایق نیک نشان*** و دکتر سید علی سیادت****

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه‌ی مؤلفه‌های هوش هیجانی و خلاقیت در بین دانشجویان بود. ۱۶۴ آزمودنی از دانشجویان دانشگاه اصفهان در این پژوهش شرکت کردند. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز از دو پرسشنامه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت استفاده شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از ضریب همبستگی و t گروه‌های مستقل استفاده شده است. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی با خلاقیت رابطه‌ی معنادار وجود دارد. از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی مؤلفه خود مدیریتی با خلاقیت رابطه‌ی معناداری دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین نمره‌ی دانشجویان در خلاقیت از نظر مقاطع تحصیلی مختلف از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان هوش هیجانی و خلاقیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، خلاقیت، دانشجویان، خود مدیریتی.



Email: a_moghadam60@yahoo.com

* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان

*** کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه اصفهان

**** دانشیار دانشگاه اصفهان

مقدمه

هیجان، سازه ای روان شناختی است که شامل ارزیابی شناخت، انگیزه‌ها و موقعیت‌ها می‌شود. هیجان به عنوان یک موضوع تحقیقی ابتدا در رشته ی روان‌شناسی و بعداً در حیطه‌های دیگر مثل شناخت، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد توجه قرار گرفت (ترن^۱، ۱۹۹۸). در یک طبقه بندی کلی هیجان‌ات در دو بعد متضاد قرار می‌گیرند. هیجان‌های مثبت یا خوشایند و هیجان‌های منفی یا ناخوشایند. هیجان‌های مثبت عبارتند از: شادی، آرامش، پرانرژی بودن، و غیره و هیجان‌های منفی عبارتند از افسردگی، اضطراب، فشار، ناکامی، کینه، خستگی، خشم، شرم، رنجش و غیره (مارتینکو و گاردنر^۲، ۱۹۸۷). برای اداره ی هیجان‌ات به هوش هیجانی نیاز است. هوش هیجانی، فرد را از نظر هیجانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد به این معنی که فرد به چه میزان از هیجان‌ات و احساسات خود آگاهی دارد و چگونه آن‌ها را کنترل می‌کند (سالوی و مایر و کاروسو^۳، ۲۰۰۲). گلמן^۴ (۲۰۰۰). ابعاد تأثیر پذیر از هوش هیجانی را شامل افزایش بازدهی شخصی، موفقیت شغلی، پرورش و افزایش خلاقیت، افزایش عملکردهای گروهی، انگیزش و کاهش فشار روانی افراد می‌داند. افراد با مهارت‌های هوش هیجانی بالا به سرعت و به سادگی ذهن خود را آرام و شفاف می‌سازند و به این ترتیب راه را برای دسترسی به بیشترین درونی و ایده‌های خلاق به روی خود می‌گشایند. دانشجویانی که از هوش هیجانی قوی‌تر برخوردارند، از نظر اجتماعی متعادل، شاد و سرزنده‌اند و هیچ نگرانی ندارند، احساسات خود را به طور مستقیم بیان می‌کنند و در امور تحصیلی خلاق و نوآور هستند. آن‌ها احساساتی مثل افسردگی، استرس در امور درسی را به راحتی کنترل کرده و مانع از بروز مشکل می‌شوند، از راه‌های خلاق و نو برای حل مشکل خود استفاده نموده، در زمینه ی درسی از خود خلاقیت نشان داده و قادر به عملکرد بهتر نسبت به دانشجویان دیگرند (باتاسینی^۵، ۲۰۰۱). از آنجایی که در زمینه‌ی رابطه میان این دو متغیر تحقیقی صورت نگرفته است و همچنین به دلیل این که برای داشتن ذهنی خلاق و نوآور نیاز به داشتن ارتباط زیاد با افراد مختلف وجود دارد که لازمه‌ی آن

1-Tran

2-Martinco & Gardner

3-Salovey Mayer & Caruso

4-Goleman

5-Batasini

هوش هیجانی می‌باشد، در این مقاله به بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و خلاقیت پرداخته شده است.

دستاورد‌های عصب شناسان وجود حداقل دو هوش مجزا در انسان را تأیید می‌کنند: هوش هیجانی و هوش شناختی^۱. هوش هیجانی شامل توانایی بازشناسی معانی هیجان‌ها و استفاده از آن در جهت فکر کردن و برقراری ارتباط است. هوش شناختی شامل توانایی‌های کلامی، فضایی، منطقی و انتزاعی است که اجزای سازنده‌ی بهره‌ی هوشی شمرده می‌شوند (گلمن، ۱۳۸۰). هوش هیجانی مفهومی جدید است که مبتنی بر هوش چندگانه می‌باشد. هوش هیجانی به کار ثردنیک^۲ (۱۹۲۰ به نقل از آلومران و پوناماکی^۳، ۲۰۰۸) که مفهوم هوش اجتماعی^۴ را در نظریه‌ی چند عاملی هوش^۵ معرفی کرد، برمی‌گردد. الگوی هوش چندگانه‌ی گاردنر^۶ (۱۹۸۳)، به نقل از سیف، (۱۳۸۶) نیز شامل دو مؤلفه‌ی هوش هیجانی یعنی هوش درون فردی^۷ و هوش بین فردی^۸ است. سه رویکرد در هوش هیجانی وجود دارد:

نخست؛ گلمن (۱۹۹۸) فرض می‌کند که هوش هیجانی شامل خصیصه‌هایی مثل انگیزش، خوش بینی، سازگاری و گرم بودن است که می‌تواند موفقیت در روابط انسانی، کار و زندگی را پیش‌بینی کند.

دوم؛ مایر و سالوی (۱۹۹۷) یک الگوی مبتنی بر توانایی در هوش هیجانی ارائه کرده است. آن‌ها هوش هیجانی را به عنوان مجموعه توانایی‌هایی که درک، ابراز، جذب، و هدایت هیجان‌ها به منظور بهبود رشد هیجانی و هوشی در نظر می‌گیرند.

سوم؛ بار-آن^۹ (۱۹۹۷ a) یک الگوی شخصیتی یا آمیخته^{۱۰} از هوش هیجانی ارائه کرده است که در آن بر کنار آمدن با اضطراب تأکید زیادی شده است. او هوش هیجانی را این‌گونه

1- Cognitive intelligence

2-Thorndike

3-Alumran & Punamaki

4-Social intelligence

5-Multi-Factor theory of intelligence

6-Gardner's model of Multiple Intelligences

7-Interpersonal intelligence

8-Intra personal intelligence

9-Bar-On

10-personality or mixed model of EI

تعریف کرده است: مجموعه‌ای از توانایی‌ها و مهارت‌های هیجانی، فردی و اجتماعی که افراد را قادر می‌سازد تا به طور اثربخشی با فشارها و تقاضاهای محیطی کنار بیایند (ص ۱۶). پنج مولفه‌ی هوش هیجانی در الگوی بار-آن عبارتند از: مهارت‌های درون فردی، مهارت‌های بین فردی، انطباق^۱ و راهبردهای کنترل اضطراب^۲ (بار-آن، ۱۹۹۷؛ بار-آن و پارکر^۳، ۲۰۰۰). برادبری و گریور^۴ (۱۳۸۴) نیز برای هوش هیجانی چهار بعد تشخیص داده‌اند که عبارت است از: الف) خود-آگاهی^۵ به معنی توانایی در شناسایی دقیق هیجان‌های خود و آگاهی از آن‌ها. خود-آگاهی، کنترل تمایلات خود در نحوه‌ی واکنش به اوضاع و افراد مختلف را نیز شامل می‌شود. ب) خود-مدیریتی^۶ به معنی توانایی در به کارگیری "آگاهی از هیجان‌ها" به منظور انعطاف پذیر ماندن و رفتارها را مثبت هدایت کردن می‌باشد. یعنی این‌که بتوانید واکنش‌های هیجانی خود را در مقابل همه‌ی مردم و همه شرایط مختلف به کار برید. ج) آگاهی اجتماعی^۷ به معنی توانایی در تشخیص دقیق هیجان‌های دیگران و درک این‌که دقیقاً چه اتفاقی در حال روی دادن است. این موضوع اغلب به این معناست که طرز تفکر و احساسات دیگران را درک کنید، حتی زمانی که خودتان همان احساسات یا تفکرات را ندارید. د) مدیریت رابطه^۸ یعنی توانایی در به کارگیری "آگاهی از هیجان‌های دیگران" به منظور موفقیت در کنترل و مدیریت تعامل‌ها. همچنین این توانایی، ارتباط واضح با شرایط و کنترل مؤثر تعارض‌های دشوار را شامل می‌شود. متغیر دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد، خلاقیت است. خلاقیت به معنای توانایی دستیابی به چیزی به شکل بدیع، فرایندی ذهنی است که در بر گیرنده‌ی عناصر انگیزشی و عاطفی است (شهرآرای و دیگران، ۱۳۸۱). خلاقیت سازه‌ای مهم و پیچیده در تعلیم و تربیت است که در سال‌های اخیر توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. در نظریه‌ها و

-
- 1-adaptability
 - 2-Stress Management Strategies
 - 3-Parker
 - 4-Bradberri & Graver
 - 5-self - awareness
 - 6-self-managment
 - 7-social awareness
 - 8-relationship management

الگوهای متعدد که از سوی روان‌شناسان و محققان برای خلاقیت ارائه شده است، عوامل زیادی مثل انگیزش، سبک‌های تفکر، ویژگی‌ها و نگرش‌های شخصیت و هوش بر خلاقیت اثر دارند (هنسی^۱، ۲۰۰۰؛ استرنبرگ^۲، ۱۹۸۸ به نقل از لطیفیان، ۱۳۸۵). هدف اصلی آموزش و پرورش پویا و خلاق، آفرینش است. آفرینش انسان‌هایی توانا به انجام دادن کارهای نو، انسان‌هایی که کاشف، نوزا و نوآور باشند (شهرآرای، ۱۳۷۴). از آنجایی که خلاقیت عامل کلیدی در آموزش عالی است، بنابراین لازم است مفهوم خلاقیت در حیطه‌های مختلف مثل تاریخ، زیست‌شناسی، وکالت، مهندسی و رشته‌های دیگر مشخص شود. لازم است درک میزان آگاهی از مفهوم خلاقیت و روش‌های ارتقای آن در زمینه‌های مختلف افزایش یابد و اعضای هیات علمی باید به رشد خلاقیت به عنوان ابزاری مهم در نوآوری‌های علمی و توسعه‌ی شغلی دانشجویان کمک کنند (جکسون^۳، ۲۰۰۶). استرنبرگ و لوبرت^۴ (۱۹۹۵) بر این باورند که برای موفقیت به سه نوع توانایی نیاز است: الف) *توانایی‌های تحلیلی* شامل تحلیل کردن، ارزیابی کردن، قضاوت و مقایسه کردن؛ ب) *توانایی‌های عملی* شامل اقدام کردن، به کار بردن، انجام دادن و فعال بودن و ج) *توانایی‌های خلاقانه* شامل تصور کردن، کشف کردن، ترکیب کردن، ارتباط دادن، کاوش کردن، اختراع کردن و سازگار شدن. تحقیقات انجام شده در مورد ویژگی‌هایی که کارفرمایان از فارغ‌التحصیلان جویای کار انتظار دارند، نشان می‌دهد که آن‌ها باید دارای ویژگی‌های مثل تخیل، خلاقیت باشند. (جکسون، ۲۰۰۶).

اگر چه تحقیقات زیادی در زمینه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت به عنوان دو سازه‌ی روان‌شناختی مهم انجام شده است ولی در زمینه‌ی رابطه‌ی این دو سازه تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. به زعم هیگز و هندر^۵ (۲۰۰۶) یکی از راه‌های تسریع خلاقیت در بین افراد، هوش هیجانی است. هیجان نقش مهمی در تسهیل خلاقیت ایفا می‌کند. خلاقیت با تخیل و تصور ارتباط دارد و وقتی فردی با عقاید، افراد و محیط تعامل برقرار کند، این تعامل منجر به روابط و نتایج جدید معناداری می‌شود. خلاقیت فردی عبارت است از شرایط گذشته، سبک شناختی

1-Hennessey

2 - Sternberg

3-Jackson

4-Sternberg & Lubrat

5-Higgs and Hender

(تفکر واگرا)، عوامل فردی (مثل عزت نفس، مرکز کنترل)، دانش مناسب، انگیزش، اثرات اجتماعی (مثل تسهیلات اجتماعی و ترفیحات اجتماعی) و اثرات بافتی (مثل محیط فیزیکی، محدودیت‌های زمانی و کاری). خلاقیت گروهی عبارت است از درون‌دادهای رفتار خلاق فردی، تعامل افراد، ویژگی‌های گروهی (مثل هنجارها)، فرایندهای گروهی (مثل رویکردهای حل مساله) و اثرات بافتی (وانگ و احمد^۱، ۲۰۰۳).

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی با موفقیت سازمان‌ها و افراد (مثلاً گلمن، ۱۹۹۸ و دولویکز و هیگز، ۲۰۰۰)، عملکرد فردی (مثلاً گلمن، ۱۹۹۸؛ هیگز و دولویکز، ۲۰۰۲)، رهبری تغییر (مثلاً هیگز و راولند^۲، ۲۰۰۱)، و روابط اجتماعی مثل رابطه با والدین، دوستان و شریک جنسی اثربخشی روابط درون فردی و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد (آگویر^۳ و دیگران، ۲۰۰۸). همچنین برخی تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد بین هوش هیجانی و موفقیت تحصیلی رابطه‌ی مثبت و معناداری (بشارت و همکاران، ۱۳۸۵) و با بروز و مهار خشم رابطه‌ی منفی (رضانی و عبدالهی، ۱۳۸۵) وجود دارد. همچنین بشارت (۱۳۸۴) در تحقیق خود نشان داد که بین هوش هیجانی و زمینه‌های مختلف مشکلات بین شخصی دانشجویان همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در زمینه‌ی رابطه‌ی هوش هیجانی و متغیرهای دیگر تحقیقات زیادی صورت گرفته ولی در زمینه‌ی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و خلاقیت تنها به معدودی از مطالعات می‌توان اشاره کرد. مثلاً هیگز و دولویکز (۱۹۹۹) در بررسی خود نشان دادند که شواهد کمی در تأیید ادعای رابطه‌ی معناداری بین هوش هیجانی و خلاقیت، وجود دارد. همچنین هیگز و هندر (۱۹۹۹) در تحقیق خود در زمینه‌ی رابطه بین ویژگی‌های مدیران خلاق و هوش هیجانی نشان دادند رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. از طرفی دیگر باتاسینی (۲۰۰۱) نشان داد که بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین پیترایدز، فردریکسون و فورنهام (۲۰۰۴) به نقل از بشارت، (۱۳۸۵) نشان دادند که هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی و دیگر کارکردهای شناختی تأثیر دارند. این

1- Wang and Ahmed
2- Rawland
3- Aguirre

دوگانگی معدودی از نتایج تحقیقات گذشته، محققان را برآن داشت که به بررسی رابطه‌ی این دو متغیر بپردازند.

هدف کلی این پژوهش «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان در دانشگاه اصفهان» است و سؤالات پژوهش عبارتند از:

۱) آیا بین مؤلفه‌های هوش هیجانی (خود-آگاهی، خود-مدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه) و خلاقیت دانشجویان رابطه وجود دارد؟

۲) آیا بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان برحسب جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳) آیا بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان برحسب مقطع تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴) آیا بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان برحسب وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

روش تحقیق همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶ است که بالغ بر ۹۶۸۶ نفر می‌باشند. حجم نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با تعداد دانشجویان هر دانشکده ۱۶۴ نفر به دست آمد. پژوهش‌های متعدد، روایی آزمون هوش هیجانی را مورد تأیید قرار دادند (برادبری و گریور، ۱۳۸۴). ابزار سنجش هوش هیجانی مقیاس ۲۸ سوالی برادبری و گریور بوده است و توسط گنجی (۱۳۸۴) در ایران هنجاریابی شده است. این آزمون، چهار مقوله‌ی هوش هیجانی یعنی، خود آگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه را در مقیاس پنج درجه ای لیکرت می‌سنجد.

برای سنجش خلاقیت از مقیاس خلاقیت استفاده شد. این مقیاس یک پرسشنامه‌ی ۳۷ سوالی است که به وسیله‌ی کامکاری (۱۳۸۴) ساخته شده است. این آزمون، در مقیاس سه درجه ای لیکرت طراحی شده است.

برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن‌ها به ترتیب ۰/۸۸ و ۰/۸۰ برآورد شد.

برای تحلیل آماری داده ها از روش های همبستگی پیرسون و آزمون t گروههای مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی به دست آمده از پرسشنامه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار خلاقیت، هوش هیجانی و مولفه‌های آن

شاخص مقیاس	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
خلاقیت	۳۹/۰۶	۵/۳	۱۸	۵۱
هوش هیجانی	۷۵/۰۶	۸/۰۵	۴۰	۹۳
خود آگاهی	۱۳/۵۶	۸/۰۲	۳	۳۲/۶
خود مدیریتی	۷/۵۸	۱۴/۷۵	۵/۲۲	۱۱/۱۱
آگاهی اجتماعی	۱۵/۵۳	۸/۲۲	۹/۴	۲۰
مدیریت رابطه	۱۰/۲۴	۱۰/۹۵	۴	۱۹

جدول ۱ شاخص‌های مرکزی شامل میانگین و انحراف معیار را در مورد نمره های چهار وجه هوش هیجانی و خلاقیت نشان می‌دهد. از کل نمونه ۱۶۴ نفری، خلاقیت با میانگین ۳۹/۰۶، هوش هیجانی با میانگین ۷۵/۰۶ است و از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، آگاهی اجتماعی با میانگین ۱۵/۵۳ دارای بیشترین میانگین و خود مدیریتی با میانگین ۷/۵۸ دارای کمترین میانگین است.

در بررسی سؤال اول پژوهش، نتایج همبستگی نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان همبستگی مثبت و معناداری ($r=0/190$) در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی فقط مؤلفه خود مدیریتی با خلاقیت همبستگی مثبت و معناداری ($r=0/278$) در سطح ۰/۰۱ دارد و بقیه مؤلفه‌ها رابطه‌ی معناداری با خلاقیت ندارند.

برای بررسی سؤال دوم تحقیق از آزمون t استفاده شد که نتایج آن نشان می‌دهد که بین دانشجویان دختر و پسر از نظر هوش هیجانی و خلاقیت تفاوت معناداری در سطح $0/05$ وجود ندارد.

در بررسی سؤال سوم پژوهش با استفاده از آزمون t نتایج زیر به دست آمد.
جدول ۲: مقایسه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان بر حسب مقطع

متغیرها	مقطع	فروانی	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	sig
خلاقیت	کارشناسی	۱۳۹	۳۸/۸۸۴	۵/۲۸۲	-۱/۶۷۷	۱۶۲	۰/۵۰
	ارشد	۲۵	۳۹/۶۸	۶/۰۸۷			
هوش هیجانی	کارشناسی	۱۳۹	۷۴/۴۲	۸/۰۶	-۲/۲۹	۱۶۲	۰/۰۲
	ارشد	۲۵	۷۸/۴۶	۷/۲۲			

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میزان خلاقیت دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که دانشجویان کارشناسی از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند.

در بررسی سؤال چهارم پژوهش نیز با کمک آزمون t گروه‌های مستقل انجام شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول ۳: مقایسه‌ی هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان بر حسب وضعیت تأهل

متغیرها	وضعیت تأهل	فروانی	میانگین	انحراف استاندارد	t	df	sig
خلاقیت	متاهل	۸	۴۳/۱۲۵	۳/۶۰۳	-۲/۲۳۹	۱۶۲	/۰۲۷
	مجرد	۱۵۶	۳۸/۷۹۴	۵/۳۹۹			
هوش هیجانی	متاهل	۸	۷۳/۸۶	۱۶/۲۸	.۳۸	۱۶۲	/۶۹
	مجرد	۱۵۶	۷۵/۰۷	۷/۵۵			

نتایج جدول پنج نشان می‌دهد که بین میزان خلاقیت دانشجویان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد بدین معنا که دانشجویان متأهل از میزان خلاقیت بالاتری برخوردارند ولی بین دانشجویان مجرد و متأهل از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه اصفهان بود. تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی و خلاقیت دانشجویان رابطه‌ی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. به دلیل چند سویه بودن هوش هیجانی و تأثیرهایش در زمینه‌های گوناگون تحقیقات زیادی در زمینه‌ی رابطه‌ی بین هوش هیجانی در موفقیت سازمان‌ها و افراد (مثلاً گلמן، ۱۹۹۸ و دولویکز و هیگز، ۲۰۰۰)، عملکرد فردی (مثلاً گلמן، ۱۹۹۸؛ هیگز و دولویکز، ۲۰۰۲)، و رهبری تغییر (مثلاً هیگز و راولند، ۲۰۰۱) انجام شده است. در بررسی ادبیات مربوط به افزایش هوش هیجانی، هیگز و دولویکز (۲۰۰۲) به برخی از تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی بین هوش هیجانی و خلاقیت فردی که توسط سالوی و مایر (۱۹۹۳) به نقل از هیگز و هندر، (۲۰۰۶)، گلמן (۱۹۹۸) و بار-آن و پارکر (۲۰۰۰) بیان شده است، نشان داده‌اند که شواهد کمی در حمایت از این رابطه وجود دارد. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق هیگز و هندر (۲۰۰۶) که در تحقیق خود در زمینه‌ی رابطه بین ویژگی‌های مدیران خلاق و هوش هیجانی نشان دادند که بین این دو متغیر رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، همسو نیست. ولی با نتایج تحقیق باتاستینی (۲۰۰۱) تحت عنوان «رابطه‌ی هوش هیجانی، خلاقیت و رهبری در بین دانش‌آموزان» همخوانی دارد که نشان داد رابطه‌ی معناداری بین هوش هیجانی و خلاقیت وجود دارد. همچنین پیترایدز، فردریکسون و فورنهام (۲۰۰۴) به نقل از بشارت، (۱۳۸۵) همبستگی هوش هیجانی، توانایی شناختی و کارکرد تحصیلی را در بین دانش‌آموزان پایه‌ی ۱۱ بررسی کردند و دریافتند که هوش هیجانی بر کارکرد تحصیلی و دیگر توانایی‌های شناختی تأثیر گذار است. بر حسب معدود تحقیقات انجام شده در این زمینه بر حسب احتمال می‌توان همبستگی مثبتی بین هوش هیجانی و خلاقیت را بدین گونه توجیه کرد که یکی از راه‌های تسریع خلاقیت در بین افراد، هوش هیجانی است (هیگز و هندر، ۲۰۰۶) و هیجان نقش مهمی در تسهیل خلاقیت ایفا می‌کند. خلاقیت با تخیل و تصور ارتباط دارد و وقتی

فردی با عقاید، افراد و محیط تعامل برقرار کند، این تعامل منجر به روابط و نتایج جدید معناداری می‌شود (وانگ و احمد، ۲۰۰۳).

علاوه بر این نتایج نشان داد که از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی فقط مؤلفه خود مدیریتی با خلاقیت رابطه‌ی معناداری دارد. تبیین احتمالی این که چرا از بین مؤلفه‌های هوش هیجانی خود مدیریتی با خلاقیت رابطه دارد این است که مدیریت هیجان‌ها به توانایی فرد برای تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران برای ارتقای رشد هیجانی و عقلی گفته می‌شود. وقتی توان مدیریت در خدمت سازمان‌دهی هیجان‌ها قرار گیرد، فرایندهایی که در سایه‌ی مدیریت ضعیف به سادگی دچار اغتشاش و آشفتگی می‌شود، از بحران‌های هیجانی پیش‌گیری می‌کند و افزون بر ساز و کار پیش‌گیری، سازمان‌دهی هیجانی قدرت سازش فرد را افزایش می‌دهد. مدیریت هیجانی، با پیش‌گیری و افزایش قدرت سازش، مستقیماً به کاهش مشکلات بین شخصی و بهبود کیفیت روابط اجتماعی فرد منجر می‌شود (بشارت، ۱۳۸۴). همین افزایش قدرت سازش در شرایط مختلف که فرد با آن روبرو می‌شود را می‌توان به عنوان نقطه‌ی اصلی ارتباط بین خود مدیریتی هیجانی و خلاقیت دانست زیرا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد خلاق توانایی سازگاری با شرایط است (سیف، ۱۳۸۶).

همچنین نتایج نشان داد که بین میانگین نمره‌های دانشجویان در خلاقیت از نظر مقطع تحصیلی تفاوت وجود ندارد، ولی از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته نشان می‌دهد که در رشته‌هایی مثل رشته‌های فنی-مهندسی که به خلاقیت بیشتری نیاز دارند (هیوود، ۲۰۰۵)، نیز میزان خلاقیت مشابه رشته‌های دیگر است. جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که میزان خلاقیت دانشجویان متأهل بیشتر از دانشجویان مجرد است، ولی از نظر هوش هیجانی تفاوت معناداری بین این دو گروه وجود ندارد. بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان هوش هیجانی و خلاقیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

بنابراین بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه‌ی مثبت وجود دارد و افزایش در هر یک از این دو توان، با افزایش دیگر همراه خواهد بود.



منابع

- ۱- برادبری، ت. و گریور، ج. (۱۳۸۴). *آزمون هوش هیجانی*. ترجمه گنجی، م. تهران: انتشارات ساوالان.
 - ۲- بشارت، م. ع.، شالچی، ب. و شمسی‌پور، ح. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی. *مجله‌ی اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء*، ۲ (۳ و ۴)، ۷۳-۸۴.
 - ۳- ——— (۱۳۸۴). بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی. *مجله‌ی مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء*، ۱، ۲ و ۳، ۲۵-۳۸.
 - ۴- رضانی، و. ا. و عبداللهی، م. ح. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط هوش هیجانی با بروز و مهار خشم در دانشجویان. *مجله‌ی روان‌شناسی*، ۱۰ (۱)، ۶۶-۸۳.
 - ۵- ساعتی، ت. (۱۳۸۶). *تفکر خلاق، حل مشکل و تصمیم‌گیری*. ترجمه‌ی عزیزی، م. و نقدی، ر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۶- سیف، ع. ا. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی تربیتی مدرن*. تهران: انتشارات دوران.
 - ۷- شهرآرای، م.، سیدان، ا. و فرزاد، و. ا. (۱۳۸۱). تحلیل خلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت. *مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۳۲ (۲)، ۲۱۳-۱۹۱.
 - ۸- ——— (۱۳۷۴). *ضرورت آموزش خلاق در برنامه‌ریزی آموزشی*. رایه شده در همایش علمی - کاربردی بهبود کیفیت آموزش عمومی، تهران: اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان تهران.
 - ۹- گلمن، د. (۱۳۸۰). *هوش هیجانی*. ترجمه پارسا، ن. تهران: انتشارات رشد.
 - ۱۰- لطیفیان، م. و البرزی، م. (۱۳۸۵). بررسی نقش باورهای انگیزشی بر خلاقیت کودکان. *فصل‌نامه‌ی انجمن ایرانی روان‌شناسی*، ۱۰ (۴).
- 11-Aguirre, F., Sergi, M., and Levy, C. (2008). Emotional intelligence and social functioning in persons with schizotypy. *Schizophr Res.*, 104(1-3), 255-6.
- 12-Alumran, J., and Punamaki, R. (2008). Relationship Between Gender, Age, Academic Achievement, Emotional Intelligence, and Coping Styles in Bahraini Adolescents. *Journal of Individual Differences Research*. 6, 2, 104-119.
- 13-Bar-On, R. (1997). *Bar-On Emotional Quotient Inventory: Technical Manual*. Toronto: Multi-health System.
- 14-Bar-On, R. (2001). Emotional intelligence and self-actualization. In J. P. Forgas & J. D. Mayer (Eds). *Emotional intelligence in everyday life: A scientific inquiry* (pp.82-97). Philadelphia: Psychology Press.

- 15-Bar-On, R. & Parker, (2000). *Bar-On Emotional Quotient Inventory: Youth Version*. New York: Multi Health Systems.
- 16-Batastini, Susan Dutch. (2001). Relationship among student's emotional intelligence, creativity and leadership. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities and Social Sciences*. 62(2-A), 456.
- 17-Dulewicz, V. and Higgs, M. (2000). *EQ-Managerial User Guide*. Windsor UK: NFER-Nelson.
- 18-Goleman, D. (1998). *Working with emotional intelligence*. New York: Bantam.
- 19-Goleman, D. (2000). "Intelligent leadership", *Executive Excellence*, 3, 17.
- 20-Heywood, J. (2005). *Engineering Education: research and development in curriculum and instruction*. New York : Wiley-Interscience Press.
- 21-Higgs, M. and Dulewicz, V. (2002). *Making Sense of Emotional Intelligence*. London: ASE.
- 22-Higgs, M. and Hender, J. (2006). *Is there a relationship between emotional intelligence and creative management?*. Available at: <http://www.henleymc.org.uk/eli...CB004EE98D>
- 23-Higgs, M. and Hender, J. (2006). Characteristics of Creative Managers. *Journal of General Management*. 29, (4),1-20.
- 24-Higgs, M. and Rowland, D. (2000). Developing Change Leaders: Assessing the impact of a development programme. *Journal of Change Management*., 2 (1), 23-31.
- 25-Jackson, N. (2006). *Creativity in Higher Education*. Surrey, Centre for Excellence in Professional Training and Education, University of Surrey. SCEPTR paper3.
- 26-Jackson , N. J. and Saw, M. (2006). Subject Perspectives on Creativity, In N. J. Jackson et. Al. *Developing Creativity in Higher education: an Imaginative Curriculum*, London: Routledge-Falmer.
- 27-Martinko, M. J. and Gardner, W.L. (1987). The leader / member attribution process, *Academy of management Review*, 12 (2) ,235-49.
- 28-Mayer, J. D. and Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence In P.Salovey, & J. D. Mayer (Eds.), *emotional Development and Emotional Intelligence* (pp.3-31). New York: Basic Books.
- 29-Peterson, C. and Seligman, M.E.P. (1984), Casual explanations as a risk factors for depression: theory and evidence, *Psychological Review*, 91 (3), 347-74.
- 30-Salovey, P. and Mayer, J. D. (1990). Emotional Intelligence, Imagination, *Cognition and Personality*,9 , 185-211.

- 31-Salovey, p. Mayer, J. D. & Caruso, D. (2002). The positive psychology of emotional intelligence. In C. R. Snyder, & S. J. Lopez (Eds), *Handbook of Positive Psychology* (pp159-171). Oxford: Oxford University press.
- 31-Strenberg, R. J. and Lubart, T. I. (1995). *Defying the Crowd: Cultivating creativity in a culture of conformity*. New York: Free Press.
- 32-Tran, V. (1998), The role of emotional climate in learning organization, the learning organization, *Educational Management*. 5 (2), 99-103.
- 33-Wang, C. L. and Ahmed, P. K. (2003). Emotion: the missing part of systems methodologies. *Educational Management*. 32 (9), 1283-1296.